

**نشانه**

**پيله**

نيکوس کازانتزاکيس ( نويسنده ی يونانی ) تعريف ميکند که در کودکی ، پيله ی ابريشمی را روی درختی ميبايد ، درست زماني که پروانه خود را آماده ميکند تا از پيله خارج بشود . کمی منظر ميماند ، اما سرانجام – چون خروج پروانه منظور ميکشد – تصمیم ميگيرد به اين فرايند شتاب ببخشد . با حرارت دهانش پيله را گرم ميکند ، تا اين که پروانه خروج خود را آغاز ميکند . اما بال هایش هنوز بسته اند و کمی بعد ، می میرد .

کازانتزاکيس می گويد :بلوغی صبورانه با ياری خورشيد لازم بود ، اما من انتظار کشيدن ميديانستم . آن جنازه کوچک تا به امروز ، یکی سنگين ترين بار ها بر روی وجدانم بوده . اما همان جنازه باعث شد بفهمم که یک نگاه کبيره حقيقي وجود دارد : فشار آوردن بر قوانين کيهان .

بردباری لازم است ، نیز انتظار زمان موعود را کشيدن ، و با اعتماد راهی را دنبال کردن که خداوند برای زندگی ما برگزيده است .

**حکایتي آموزنده**

یک سقا در هند ، دو کوزه بزرگ داشت که هر کدام از آنها را از یکسر میله ای آویزان می کرد و روی شانه هایش می گذاشت . در یکی ازکوزه ها شکافی وجود داشت . بنابراین در حالی که کوزه سالم ، همیشه حداکثرمقدار آب ممکن را از رودخانه به خانه ارباب می رساند، کوزه شکسته تنها نصف این مقدار را حمل می کرد.برای مدت دو سال ، این کار هر روز ادامه داشت. سقا قفلتیک کوزه و نیم آب را به خانه ارباب می رساند. کوزه سالم به موفقیت خودش افتخار میکرد.

موفقیت در رسیدن به هدفی که به منظور آن ساخته شده بوداما کوزه شکسته بیچاره از نقص خود شرمندۀ بود و از اینکه تنها می توانست نیمی از کار خود را انجام دهد، ناراحت بود. بعد از دوسال روزی در کنار رودخانه ،کوزه شکسته به سقا گفت : « من از خودم شرمندۀ ام و می خواهم از تو معذرت خواهی کنم. » سقا پرسید: « چه می گوئی؟ از چه چیزی شرمندۀ هستی؟ » کوزه گفت :در این دو سال گذشته من تنها توانستم از نیمی از کاری را که باید ، انجام دهم .چون شکافی که در من وجود داشت ، باعث نشی آب در راه بازگشت به خانه اربابیت می شد به خاطر ترک های من ، تو مجبور شدی این همه تلاش کنی ولی باز هم به نتیجه مطلوب نرسیدی سقا دلش برای کوزه شکسته سوخت و با همدردی

خانه ارباب ، به گل های زیبای کنار راه توجه کنی.در حین بالا رفتن از تپه ، کوزه شکسته ، خورشيد را نگاه کرد که چگونه گل های کنار جاده را گرما می بخشد و این موضوع ، او را کمی شاد کرد.اما در پایان راه باز هم احساس ناراحتی می کرد.چون دید که باز هم نیمی ازآب نشت کرده است .

برای همین دوباره از صاحبش عذرخواهی کردسقا گفت : من از شکاف های تو خیر داشتم و از آنها استفاده کردم . من در کناره راه ،گل هایی کاشتم که هر روز وقتی از رودخانه بر می گشتم ، تو به آنها آب داده ای .برای مدت دو سال ، من با این گل ها ، خانه اربابم را تزئین کرده ام . تو وجود تو ، خانه ارباب نمی توانست این قدر زیبا باشد.

**حقیقت عاشق بودن**

لیلی از مجنون پرسید : چه تحفه ای داری ؟
مجنون جواب داد فقط یک سوزن که با آن تیغ هائی که در طول راه به پایم می رفت ، در می آوردم تا به تو برسم .
لیلی گفت : راه عشق پر خطر است و آنجا بلاّی می بارد... می خواستم ترا بیازمایم .
اگر تو درعشق صادق بودی سوزن را برای چی برداشتی ؟
تو تاب بلاّ نداری وگرنه خاری که در راه عشق به پای تو زود و چاوش راه وصال باشد از گل لطیف ترست ، آنرا با سوزن بیرون نباید آورد ، آیا درخت گل را نمی بینی که به امید گلی یکسال بار و رنج خار می کند ؟
؟

**عطار نیشابوری**
**علیرضا قزو:**
**جشنواره‌ی شعر فجر را با وجدان نقد کنند**

دبیر اولین جشنواره شعر فجر گفت: شاعران جوانی که در حد و اندازه مطرح شدن نبودند، به‌دلیل توهمات بالا، انتظار داشتند جایزه مهدی اخوان ثالث و حسین منزوی را ببرند.
علیرضا قزوه در تیزر با بیان این مطلب، افزود: هنوز هم از انتظارات بیش از حد برخی از شرکت‌کنندگان در جشنواره که اغلب از نسل جوان بودند، سرم سوت می‌کشد.

او با تاکید بر این‌که نتایج اولین جشنواره شعر فجر را تا پنج سال دیگر مشاهده خواهیم کرد، به اظهار رضایت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از نحوه برگزاری این جشنواره اشاره و اضافه کرد: بسیاری در زمان برگزاری جشنواره حرف زدند؛ اما اگر این جشنواره را با اولین جشنواره موسیقی، اولین جشنواره تئاتر و اولین جشنواره سینمای فجر مقایسه کنند، پی خواهند برد که چه کار عظیمی صورت گرفته است.

او با فرا خواندن منتقدان به تفاوت همراه با وجدان درست، گفت: چرا آنان نمی‌گویند دبیر جشنواره که شعرهایش در ۲۵سالگی، تیزرآزی بالای یک میلیون نسخه داشته، خودش را از صحنه بیرون کشیده و حتا از حضور صمیمی‌ترین دوستان خود در اولین جشنواره شعر فجر جلوگیری کرده است؟
قزوه تصریح کرد: در زمانی‌که جناح‌ها در زمینه شعر ایجاد می‌شوند، تشن در شعر موج می‌زند و فضای حاکم بر آن یک فضای ناسالم است. او درباره دعوت نکردن شاعران کشورهاى مطرح به اولین جشنواره شعر فجر، افزود: در حالی‌که زبان فارسی در بیش‌تر کشورها، آخرین نفس‌ها را می‌کشد، باید بیش‌ترین سرمایه‌گذاری بر روی زبان فارسی باشد.

خدیجه زمانیان
می گویند آدم قدر چیزهایی را که دارد نمی‌داند. چیزهایی که هر روز با آنهاست، با آنها زندگی می‌کند و نفس می‌کشد و گاهی چون هستند، نمی‌بیندشان، اما وقتی آنها را از دست می‌دهد تازه می‌فهمد چه داشته و این داشته چقدر با ارزش بوده است. گاهی آدم حتی قدر دیگری که دور و برش هستند را هم نمی‌داند، آدمهایی که با بودنشان، حرفهایشان، نوشته هایشان و ... او را همراهی می‌کنند. وقتی هستند، دلمان به بودنشان خوش است و وقتی نیستند، دلمان به کلمات به جا مانده شان ...

نویسنده ها با ارزش ترین چیزهای این دنیایند.
بخصوص اگر اهل خواندن آثار این نویسنده ها باشی و با آثارشان زندگی کنی، دوست داری تا هستند به دیدنشان بروی و در مورد آثارشان، خوششان و روزهای زندگیشان با آنها حرف بزنی، اما گاهی دورند، خیلی دور. این وقتها چاره ای نداری جز این که هر چند وقت یک بار، کتابهایشان را ورق بزنی و بخوانی و برایشان به پناه های مختلف بنویسی. اگر چه که نخوانند، اگر چه که نبینند.

امروز سالروز تولد «مارکز» است؛
گابریل گارسیامارکز. – همان روزنامه نگار و نویسنده معروف که هنوز هست و می نویسد و باید به یادش بود، هر چند بی‌زگی در خیرها خوانده ایم به خاطر بیماری سرطان حالش چندان خوب نیست، امیدواریم حالش به همین زودپها خوب شود و باز بریامان بنویسد.

از «مارکز» زیادی می شود نوشت. همه زندگی او داستان است. شاید به خاطر همین هم هست که همه کتابهایش، بازنویسی همان خاطرات کودکی اش به نظر می‌رسند. کتاب «عشق سالهای ویا» که شرح زندگی پدر و مادرش است و کتاب «زیستن برای بازگشتن» که شرح زندگی خودش، او جایی در یادداشتهایش نوشته بود: «احساس می

## تاملی در نقش

## متعدد زنان در نظام خانواده و جامعه

زنان بهره بیشتری ببرند.
بیش از سایر جوامع پیشرفت کرده اند .
از نظر اسلام، زن می تواند با رعایت حجاب و اخلاق در عرصه های اجتماعی و سازندگی جامعه نقش فعال را ایفا نماید.
در سوالی که یکی از خبرنگاران از امام خمینی (ره) در خصوص نقش و حضور زن در رشد و تعالی جامعه اسلامی می‌پرسیدند، امام فرمودند: زنان از نظر اسلام نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقا می دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت هایی به عهده بگیرند.
مقام معظم رهبری نیز می فرمایند: اسلام با کار کردن زن نه تنها موافق است بلکه تا آنجایی که مزاحم شغل اساسی و مهمترین شغل او یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد، اما این کار نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته باشد.

درجای دیگر معظم له اشاره به این نکته نمودند که: ما معتقدیم که زنان در هر جامعه سالم بشری قادرند و می باید فرصت پیدا کنند که در حد خویش مسئولیت خود را در پیشرفت های علمی و اجتماعی میان زن و مرد از این جهت هیچ تفاوتی نیست.
مهمترین مسئله‌ای که در اشتغال زنان باید مورد توجه قرار گیرد وجود نقش های متعددی است که زنان باید به عنوان همسر و مادر به عهده بگیرند.
نقش هایی که ممکن است در جامعه سنتی بعضا با نقش زن به عنوان یک فرد شاغل در تعارض باشد.از جمله نقش های زنان

## فرهناخوب

**به بهانه سالروز تولد «گابریل گارسیامارکز» نویسنده :**

# زنده ام تا روایت کنم

کتم همه نوشته هایم، درباره تجربیات من از اجدهام است.»
با آنکه از ۲۷ سالگی نوشت و چاپ کرد، اما آنطور که می خواست کارهایش با استقبال رو به رو نشد. از همان زمان کودکی، هر چه را که به دستش می رسید، می خواند. حریصانه می خواند و می نوشت. در مدت عمر ۷۹ ساله اش (که امیدواریم طولانی تر شود)، تقریباً ۱۴ اثر نوشت، اما تا قبل از آن «صد سال تنهایی»، آثارش (آن طور که می خواست) مورد اقبال قرار نگرفت، او به دنبال سبک و زبانی خاص بود. آن قدر نوشت، آن قدر خواند و آن قدر با خودش کلنجار رفت تا سرانجام این سبک خاص در شاهکارش یعنی «صد سال تنهایی» بروز و ظهور پیدا کرد. شاهکاری که اگر چه توانست زندگی او را تحت تأثیر قرار دهد و او را در ۴۰ سالگی معروف و محبوب کند، اما توانست چیزی به نام «سرطان» را هم به او هدیه کند!

معمولاً خلق شاهکارهای نویسندگان با داستانها و حرف و حدیثهای زیادی همراه است. «صد سال تنهایی» هم از این قاعده مستثنا نیست و ماجرابی جالب دارد. البته خلق «صد سال تنهایی» از قبل از اینکه نتیجه خواندنها و نوشتنهای طاقت فرسای «مارکز» بدانیم باید نتیجه تأثیر دو نویسنده بر مارکز بدانیم: «ولیم فالکز» و «سوفکل».
مارکز سالها در نوشته هایش به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال بود که «چه می خواهد بگوید؟» و آن را «چگونه باید بگوید؟». سرانجام در ژانویه ۱۸۶۵ این اتفاق افتاد و وقتی او و خانواده اش برای گذران تعطیلات به «آکاپولکو» مسافرت می کردند ناگهان او دریافت که لحن و صدایش را پیدا کرده او بعدها در یادداشتهایش در مورد این لحظه شهودی نوشت: «سرانجام شهودی را که با آن بتوانم کتاب را بنویسم پیدا کردم، آن هم به کاملترین شکل ممکن. در آن جا بود که من نخستین فصل کتاب را کلمه به کلمه با صدای بلند برای تایپبست دیکته کردم. لحن و صدایی که من سرانجام در «صد سال تنهایی» به کار گرفتم بر پایه روشی بود که مادر بزرگم در گفتن قصه هایش به

در جامعه به موارد زیر می توان اشاره نمود:
– نقش زن به عنوان همسر و شریک زندگی
– نقش زن در تغذیه و رشد کودک در درجه اول به عهده مادران است.
– نقش زن در تعلیم و تربیت فرزندان به خصوص در سنین اولیه فرزندان و ایجاد جوعاطفی و محبت آمیز در خانواده .

– نقش زن در بیرون از خانه و خانواده و پذیرش مسئولیت در عرصه های اجتماعی و اقتصادی .
در خصوص نقش عاطفی و محبت آمیز زن در خانواده و تاثیر آن در تربیت فرزندان و استحکام نظام خانوادگی صدها کتاب توسط روان شناسان به رشته تحریر درآمده است.
درجامعه رو به رشد و توسعه یافته، زنان نقش فعالی را ایفا می نمایند دراین رابطه و در جامعه ما باید نقشی متناسب با توان جسمی و روحی زنان داده شود) در کشور ما این نقش یعنی کار و تلاش زن در بیرون از خانه و مسئولیت پذیری در عرصه سازندگی چرخ های اقتصادی و اجتماعی جامعه روز به روز بیشتر می گردد.
مهمترین عوامل و ضرورت اشتغال زنان عبارتند از:
۱– شرایط فرهنگی و اجتماعی: مسائل نظیر تعلیم و تربیت اعم از مدارس و دانشگاهها، امور درمانی و مدد کاری اجتماعی و ... از امور مهمی هستند که نیاز جدی به خدمات زنان را ایجاد می نماید.
۲– تامین نیازهای مادی: بالا رفتن کیفیت زندگی و افزایش هزینه‌ها، موجب اشتغال زنان ودر نهایت افزایش قدرت خرید خانواده و نیازهای آنها می گردد.

## ویلیامز مانند دور کیم

کوتاه از ویلیامز عرضه شد. علت طرح مجدد نام ویلیامز در این نوشته چاپ کتابی است از ویلیامز که اخیراً دیده ام. این کتاب را که تلویزیون: تکنولوژی و شکل فرهنگی است منوچهر بیگدلی خنمه ترجمه کرده و اداره کل پژوهش های سیما آن را چاپ نموده است.
کتاب ویلیامز از چند جهت جالب توجه است: این کتاب را می توان از تحلیل های اولیه از نوع مطالعات فرهنگی دانست که به موضوع تلویزیون پرداخته است. یادمان باشد که چاپ اول این کتاب در سال ۱۹۷۴ به بازار آمد. به علاوه، ویلیامز در این کتاب شکل های مختلف تلویزیونی نظیر ورزش، اخبار و سریال ها را به شیوه های کمی

## عاشق

وقتی اینارو می گفتم با چشمای اروم و با نگاهی خونسرد زل می زد تو چشم و تبسمی می کرد و با قاطعیت می گفت: «اره ! هم حق با توه هم با من !!!»
.....
امروز وقتی جنازه اش رو بین تابوت های شهدا دیدم با خودم گفتم: « با اینکه بچه بود اما چقدر محکم حرفشو بهم ثابت کرد..... عشقی که تو دل اون بود کجا و عشقی که تو ذهن من بود کجا!!!!»
وقتی دستم رو روی کلمه ی « شهید» رو سنگ قبرش می کشیدم اروم با خودم زمزمه کردم :
عاشق... عاشق

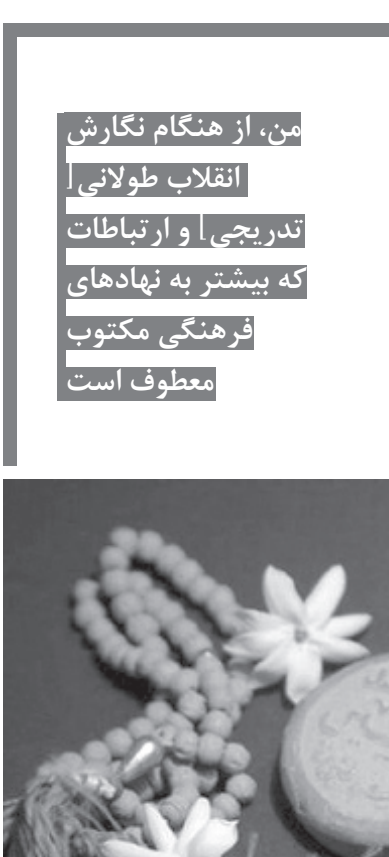
در بوئنوس آیرس بفرستد.«صد سال تنهایی» سرانجام در ژوئن ۱۹۶۷ منتشر شد و طی یک هفته همه نسخه هایش به فروش رسید.
رمان هر هفته زیر یک چاپ جدید می رفت و در مدت سه سال، نیم میلیون نسخه از آن به فروش رسید و به ۲۴ زبان ترجمه شد و چهار جایزه بین المللی را نصیب خود کرد.
موفقیتها کم کم سر و کله شان پیدا می شد! وقتی جهان نامش را شنید و شناخت، «گابریل گارسیا مارکز» ۴۰ ساله بود.
وقتی نویسنده پرویی «واگارس یوسا» درباره زندگی و آثارش کتابی منتشر کرد، ۴۳ سال داشت.
وقتی در سال ۱۹۸۲ جایزه نوبل ادبی را گرفت ۵۴ ساله بود و وقتی در سال ۱۹۹۹ عنوان مرد سال آمریکای لاتین را گرفت (۷۱ سال داشت، اما با این حال، او از نوشتن دست بردناشت و نوشت و نوشت ...

«گابریل گارسیا مارکز» حالا ۷۹ سال دارد و امروز وارد هشتادمین سال زندگی اش می شود.تا این اواخر با همسر، دو فرزند، عروس و نوه ۶ ساله اش در شهر نیومکزیکو زندگی می کرد، اما با وخامت اوضاع جسمانی و سرطان رو به پیشرفتش، به سرزمین آبا و اجدادی اش یعنی «بوگانو» برگشته و در کنار خانواده اش زندگی می کند. می نویسد و با بیماری اش می جنگد.



۳– کسب منزلت اجتماعی: زنان با کار و کسب درآمد، خلاقیت و استعدادهای خود را به منحصه ظهور می رسانند. کسب موفقیت های شغلی موجب ایجاد خودباوری ، اعتماد به نفس و ایجاد انگیزه در انجام مسئولیت های اجتماعی و خانوادگی می شود.

۴–تحصیلات:درپیش ازنیمی ازظرفیت‌دانشگاهی، زنان اشتغال به تحصیل دارندکسب دانش از یکسو و تنوع رشته های شغلی از سوی دیگر موجب رشد اشتغال زنان در جامعه گردیده‌است.
زمانی که نقش های متعددی زنان را در خانه و بیرون از خانه مدنظر قرار می دهیم، مسئله گرانباری نقش تداعی می کند. گرانباری نقش زمانی رخ می دهد که یک فرد در عین واحد چندین نقش و انتظارات مربوط به نقش را باید اجرا نمایند که تداخل بین نقش ها؛ فشار روانی حاصل از تعدد و نقش و انتظارات، فرد را زمین گیر می کند. همانظوری که اشاره گردید: ایفای نقش حضور زنان در ساخت جامعه یک ضرورت است، منتها باید شرایط مساعدی از جمله حمایت قانونی و رفاهی ادارات، سازمان ها و کارخانجات از طرفی و مساعدت خانواده از طرف دیگر زمینه فعالیت های اجتماعی و اقتصادی خانم ها را فراهم نمود، تا اثرات گرانباری نقش به حداقل کاهش یفتد و نظام خانواده را متزلزل ننماید.
میاوردی کارشناس ارشد روان شناسی تربیتی **مدرس آموزش خانواده سازمان آموزش و پرورش**



**نگاه**

**آتش امید**

تنها باز مانده یک کشتی شکسته به جزیره ی کوچک خالی از سکنه ای افتاد .
او با دلی لرزان دعا کرد که خدا نجاتش دهد ، اگر چه روز ها افاق را به دنبال یاری رسانی از نظر میگذراند ، کسی نمی آمد .

سر انجام خسته و از پا افتاده موفق شد از تخته پاره ها کلبه ای بسازد تا خود را عوامل زیان با حفظت کند و دارایی های اندکش را در آن نگهداری کند .

اما روزی که برای جستجوی غذا بیرون رفته بود ، به هنگام برگشتن دید که کلبه اش در حال سوختن است و دودی از آن به آسمان میرود . متأسفانه بدترین اتفاق ممکن افتاده و همه چیز از دست رفته بود .

از شدت خشم و اندوه در جا خشکش زد . فریاد زد:
” خدایا چطور راضی شدی با من چنین کاری بکنی ؟ “

صبح روز بعد با صدای بوق کشتی ای که به ساحل نزدیک میشد از خواب بیدار پرید . کشتی از آنکه آمده بود تا نجاتش دهد . مرد خسته ، از کشتی هدنگانش پرسید :
” شما ها از کجا فهمیدید من در اینجا هستم ؟ “
آن ها جواب دادند : ” ما متوجه علامتی که با دود می دادی شویم “ .

وقتی که اوضاع خراب میشود ، ناامید شدن آسان است . ولی ما نباید دلمان را بیازیم ، چون حتی در میان درد و رنج دست خدا در کار زندگیمان است .

پس به یاد داشته باش دفعه ی دیگر اگر کلبه ات سوخت و خاکستر شد ، ممکن است دود های برخاسته از آن علامتی باشد که عظمت و بزرگی خدا را به کمک میخواند .

**نگرش های خوب به زندگی**

•عشق یکی از مهم ترین چیز های زندگی است.
•باید بهتر شویم پس نباید اجازه دهیم ترس ما را به دام اندازد.
•فرقی میان دادن و گرفتن نیست.
•در آینده و گذشته زندگی نکن
•حالا هر کاری می توانی انجام بده در هر لحظه باید محبت کنی
•اگر در بیرون مشکلی هست ناراحت نشو درون قلبت امنیت داری.
•چون عشق همیشه هست نباید از مرگ بترسی.

**حکایت**

زاهد پیری به بارگاه مقتدرترین سلطان زمان راه یافت . سلطان گفت : من به پرهیزگاری که چنین به اندک قانع و خشنود است رشک می برم .
زاهد گفت : من به اعلیحضرت جلالت مآبی که حتی به کمتر از آنچه من دارم قانع است غبطه می خورم .

سلطان خشمگین شد و گفت : منظورت چیست ؟
ترساتر این ملک از آن من است . پیر گفت : چنین است . اما من موسیقی افلاک را می دانم . من صاحب تمام رود ها و کوه های دنیایم . ماه و خورشید به من تعلق دارد زیرا که من خدا را در روحم دارم . اما اعلیحضرت فقط همین قلمرو و سلطنت را دارد .

**حکایت**

کوهنوردی می‌خواست از کوه خیلی بلندی بالا بره و چون افتخار اینکار رو فقط برای خودش می‌خواست ماجراجوییش رو به تنهایی شروع کرد. موقعی که هوا تاریک شده بود و در حالیکه فقط چند قدم بیشتر به قله کوه باقی نمانده بود، پاش لیز خورد و از کوه به پایین پرت شد. در حالیکه داشت با سرعت بسیار وجود زمین سقوط میکرد و هیچ راه نجاتی وجود نداشت یهویی احساس کرد که طتاب به دور کمرش محکم شد و کوهنورد، معلق در میون زمین و آسمون باقی موند.

در همین موقع فقط تونست فریاد بکشه: خدایا کمک کن. صدایی از آسمون شنید: از من چه می‌خواهی؟ گفت: خدایا نجاتم بده. خداوند پرسید: آیا واقعا باور داری که می‌تونم تو را نجات بدهم؟ جواب داد: البته که باور دارم. ندا آمد. طبابی را که به کمربت بسته است پاره کن، ولی مرد اینکار رو نکرد و تصمیم گرفت با تمام نیرو به طناب بچسبسه.

چند روز بعد گروه نجات، جسد کوهنورد آویزون به طنابی رو پیدا کردند که فقط یک متر با زمین فاصله داشت.

### تالار خورشید این شهرستان تا پایان سال به بهره‌برداری می‌رسد

رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی اندیمشک از افتتاح تالار خورشید این شهرستان تا پایان سال جاری خیرداد و افزود: با تکمیل این تالار، کلبه‌ی انجمن‌های فرهنگی هنری اندیمشک در این محل مستقر خواهند شد.

محمد چوروند به بررسی عملکرد اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی اندیمشک در سال ۸۵ پرداخت و اظهار داشت: در آذرماه این سال میزبان جشنواره جایزه‌ی ادبی داستان‌نویسی بودیم و در پایان ماه گذشته نیز جشنواره موسیقی، با حضور انجمن‌های موسیقی خوزستان در اندیمشک برگزار شد. در اسفندماه نیز جشنواره‌ی تئاتر لاله‌های سرخ با حضور ۱۲ استان برگزار شد که سعی داریم از سال آینده این جشنواره را به صورت سراسری برگزار کنیم.

وی ادامه داد: سر و سامان بخشیدن به انجمن‌های فرهنگی و هنری شهرستان اندیمشک از اهم اهداف ما در این سال بود که تقریباً تمام انجمن‌ها ثبت رسمی شدند. به علاوه تجهیزات خوبی نیز بین این انجمن‌ها توزیع شد.

چوروند خبر برگزاری نمایشگاه هنرهای تجسمی، جلسات نقد شعر، نشست‌های کارگاهی موسیقی، همایش استانی شعر، نماز و نشست‌های محفل انس با قرآن را از دیگر فعالیت‌های این اداره در سال ۸۵ عنوان و اضافه کرد: امسال دو کانون جدید به کانون‌های فرهنگی مساجد اندیمشک اضافه شده است.

همچنین شب شعر کتیبه‌ی خرداد نیز در سالگرد عروج حضرت امام خمینی (ره) برگزار گردید.